

## بررسی تطبیقی دیالوگ و انواع ارتباطات گفتاری

محمد امین چهاردولی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی بروجرد

### چکیده

پیامد اصلی عقل گرایی در دوره مدرنیته، فردگرایی و فرار از رابطه ی انسانی بود و فرد جایگزین خانواده، گروه های اجتماعی و جامعه گردید. فرد گرایی با ایجاد قوانین مکانیکی و ساختاری خیمه روابط انسان ها را از هم گسست و افراد را تا اندازه یک ابزار در سیطره ی ساختار و قوانین اجتماعی و مدنی، گرفتار کرد. انسان مدرن گرفتار دو بیماری مزمن شد: نخست ناتوانی در کسب معرفت جامع نسبت به هستی و دوم ناتوانی در برقراری ارتباطی انسانی. اندیشمندان و منتقدان مدرنیته برای رهایی از بحران های شناختی و ارتباطی، مفهوم دیالوگ را که قرن ها پیش معرفی شده بود دوباره پروردند و معرفی نمودند، تا پاسخگوی آشفتگی عصر حاضر باشد (نیستانی، ۱۳۹۸: ۹-۸). دیالوگ عمل ارتباطی و تجربه یکدیگر بین دو یا چندین فرد که به شکل بیان و نوشته، جریان و ایده و معانی را به قصد مفاهمه و روشنگری در فضای مشترک و خالی از سلطه و در شرایط برابر و محترمانه انتقال می دهند. دیالوگ فرآیند آشنایی زدایی و بازآشنایی در عرصه عمومی است که افراد در آن بدون تحمیل و تحت تاثیر قرار دادن دیگری با کنار گذاشتن پیش فرض ها با مفاهمه و با هم اندیشیدن، به خلق و پیدایش چیزی نو دست می زنند. این پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه ای سعی کرده است در ابتدا به تعریف دقیقی از دیالوگ دست پیدا کند و در ادامه به بررسی تطبیقی دیالوگ با انواع ارتباطات گفتاری (تک گویی، مشاجره، مجادله، مذاکره، بحث و گپ و ...) بپردازد. نزدیک ترین واژه در زبان فارسی معادل کلمه دیالوگ، گفت و گو می باشد و در این پژوهش از هر دو کلمه دیالوگ و گفت و گو معادل یکدیگر استفاده گردیده است.

**واژه های کلیدی:** دیالوگ، گفت و گو، ارتباطات گفتاری

## مقدمه

ناتوانی در برقراری ارتباط بین انسانها، از مسائل و مشکلات شناختی انسان امروزی است. با وجود آنکه انسان ها با توانایی بر قوه در برقراری ارتباط با دیگران به دنیا می آیند، با این حال در بهره گیری از ارتباط برای دستیابی به شناخت و حل مسائل جهانی، ناتوان به نظر می رسند در دنیای مدرن، انسان ها از برقراری ارتباط و درک یکدیگر گریزان هستند و در تحلیل تبیین و تحمل اندیشه دیگری، کمتر از خود لیاقت نشان می دهند. (نیستانی، ۱۳۹۸: ۵).

بوهم با طرح این پرسش که "چرا ما به گفتگو نیازمندیم؟" می گوید: ((پاسخ یکی است. هرکس مفروضات و عقاید متفاوتی دارد. آنها مفروضات اساسی، و نه صرفاً مفروضات سطحی اند. چنین مفروضاتی درباره معنای زندگی، منافع و مصالح شخصی تان، منافع کشورتان، یا منافع و مصالح دین تان اند و یا آنچه شما فکر می کنید که واقعاً مهم است. وقتی این مفروضات به چالش گرفته می شوند از آنها دفاع می کنید. مردم، اغلب، نمی توانند در برابر دفاع از آنها مقاومت کنند و گرایش می یابند با تهاجم عاطفی از آنها دفاع کنند... به سخن دیگر، هر شخصی با این مفروضات است که خودش، یعنی هویتش را، می شناسد. این مفروضات با سرمایه گذاری بر روی منافع شخصی گره خورده اند. مسئله این است که گفتگو باید به همه فشاری که پشت مفروضات ما قرار دارد نفوذ کند. گفتگو نه فقط به خود مفروضات، بلکه به روند اندیشه ی پشت این مفروضات نیز رسوخ می کند)) (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۵۶).

## دیالوگ

لغت دیالوگ (dialogue) از واژه یونانی ((دیا)) و ((لوگوس)) برگرفته شده است که اولی به معنای ((از طریق)) و دومی به معنای ((معنی)) است. در اصل، دیالوگ یا گفت و گو ((جریان داشتن معنی)) است. (اسحاق، ۱۳۸۰، ۵) گفت و گو به عنوان معادل فارسی دیالوگ در لغت نامه ی دهخدا به معنای ((مباحثه، مجادله، مکالمه، هنگامه و پرخاش، مشاجره، بحث، جنجال، گفتار و گفت و شنود)) آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۶۹۳-۱۳۹۳).

افلاطون گفت و گو را هنر پرسیدن و پاسخ گفتن و توانایی ارائه تعریف به ((دیگری)) و قدرت دریافت تعریف درستی از او می داند که تنها راه رسیدن به زیبایی مطلق و وقوف به حقیقت است (خانیکی، ۱۳۹۲: ۲۵). دیوید بوهم گفت و گو را ارتباط گفتاری یا ((عمل ارتباطی)) دو فرد، فرد با گروه و یا چندین فرد با یکدیگر- به وسیله بیان یا نوشته- تعریف می کند. و معتقد است این ارتباط از طریق جریان و انتقال ایده و معنا در درون یا بیرون افراد و در میان جمع در مورد موضوع مشترک به منظور مفاهمه و روشنگری درباره این موضوع در فضای مشترک رابطه انجام می شود (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۵۱). هابرماس دیالوگ را در پیوندی متقابل با خودمختاری افراد جامعه و گسترش برابری و آگاهی در آن جامعه می داند (نبیلی، ۱۳۹۳: ۲). فریر (۱۹۹۷) دیالوگ را لحظه ایجاد رابطه ی دوباره آدمی با هستی و خلق جهان می داند: ((انسان ها مانند حیوانات ساکت و آرام نیستند، بلکه زبان آورانی هستند که برای نامیدن جهان آمده اند)) (فریر، ۱۹۹۷: ۶۹). و ملکیان (۱۳۸۱) گفت و گو را مکالمه ای می داند که در آن شرکت کنندگان برای نیل به هدفی واحد و مشترک که حل یا رفع مسئله یا مشکل مبتلا به همه شان است، به فهم و نقد سخن یکدیگر می پردازند. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۱۳۰، به نقل از خانیکی، ۱۳۹۲: ۱۷۳) نیستانی (۱۳۹۸) دیالوگ را دارای دو معنای مختلف می داند: شناختی و ارتباطی. در معنای شناختی، دیالوگ تبادل اندیشه بین دو شخص یا بیشتر است. در معنای ارتباطی، بیانگر عملی است که در آن افراد فرصت می یابند تا با هم ارتباط برقرار کنند و یکدیگر را تجربه کنند. (نیستانی، ۱۳۹۸: ۱۴). احمد پورنجاتی (۱۳۸۷) گفت و گو را فرآیند آشنایی زدایی و بازآشنایی در عرصه عمومی می داند که دارای مشخصاتی است: ۱- نخست آنکه سخن درباره یک کنش اجتماعی در عرصه عمومی است و نه یک ابتکار یا اقدام مشخصی در قلمرو خصوصی؛ ۲. دیگر آنکه گفتگو پیش از هر چیز کاخ تصورات پیشین دو طرف را از یکدیگر ویران می

کند. یعنی باید این خاصیت را داشته باشد؛ ۳. سرانجام به غایت عریانی و بی پردگی، رخسار تمام عیار هر طرف را در برابر دیدگان طرف دیگر نمایان می سازد. (پورنجاتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۸۱-۵۸۰)

یک دیالوگ خالی از سلطه و تسلط بر طرف مقابل است. به عبارت دیگر در جریان گفتگو چیزی تازه میان افراد متولد می شود که تا پیش از آن بدین صورت نزد هیچکدامشان موجود نبوده است. اما در هر صورت این گونه ارتباط برقرار کردن زمانی می تواند منجر به پیدایش چیزی تازه و نو شود که آدم ها قادر باشند به گونه ای آزاد، بدون هر گونه پیشداوری و بدون سعی در هر گونه تحمیل و تحت تاثیر قرار دادن هم، کلام یکدیگر و تنها به دنبال رسیدن به آنچه صحیح تر و مستدل تر است، باشند و آمادگی کنار گذاشتن عقاید و نیت کهن هاشان را داشته باشند. اما وقتی که هر یک از طرفین فقط در پی این باشد تا برخی از عقاید و دیدگاه های مشخص را به دیگری منتقل کند، گفتگویی به وجود نخواهد آمد چرا که در این صورت هر یک از طرفین به دیگری از دریچه ی تفکرات خودش گوش می دهد. تفکراتی که بنا دارد آنها را حفظ کند و یا بدون توجه به اینکه آیا صحیح و مستدل است یا خیر، از آن ها دفاع نماید. ایجاد امری مشترک مستلزم گفت و شنودی متقابل و تلاشی مشترک است و نه چیزی که از سوی یک طرف به دیگری تحمیل و اجبار شود. در گفتگو هر یک از طرفین سعی نمی کند تا اندیشه، دانش و اطلاعاتی نزد خویش را به همان صورت به دیگری منتقل کرده و به معرفت مشترک مبدل سازد. بلکه تلاش می کنند با مشارکت یکدیگر چیز تازه ای را خلق کنند (بوهم، ۱۳۸۱: ۲۷)

### اصول دیالوگ

((اصول گفت و گو شامل گوش دادن، احترام گذاشتن، تعویق نظر، و سپس اظهار نظر است که در پس گوش دادن، اصل مشارکت، در پس احترام گذاشتن، اصل انسجام، در پس تعویق، آگاهی، و در پس اظهار نظر، اصل ظهور یا پدیدار شدن قرار دارد)) (اسحاق، ۱۳۸۰: ۷۵). یکی از اصلی ترین موارد لزوم احترام به طرف گفت و گو است. این چیزی است که کانت هم به آن تصریح کرده است. مورد مهم دیگری اینکه در مرادوه با دیگران بار ارزیابی مثبت از خویش را به نحو مبالغه آمیزی سنگین نکنیم. باید گفت و گو شرایطی تامین کند که طرفین، آنچه را هم که نگفته اند، بدانند. به عنوان مثال گفته می شود: من و او آنقدر مشترکات داریم که لازم نیست در گفت و گو سخنان بسیاری مبادله کنیم. ما یکدیگر را می فهمیم. همانطور که افلاطون گفته است در گفت و گو در مبادله ی گفتارها طرفین به جایی می رسند که به سرعت و به صرافت می گویند ((فهمیدم))، نور معرفتی که در اینجا درخشش گرفته است باعث پیوند میان آن دو می گردد (حیدری، ۱۳۸۲: ۶۴). سعید مدنی (۱۳۸۷) مولفه های گفتگوی موفق را چنین بر می شمارد: رسیدن به فهم مشترک از موضوع واحد، دستیابی به قضاوت مشترک، ایجاد اراده برای عمل مشترک. (پورنجاتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۸۳)

### انواع ارتباطات گفتاری

((تک گویی، مشاجره، مجادله، مذاکره، بحث و گپ و ... گفتگو همگی ارتباط های گفتاری متفاوتی اند که در عین تفاوت و تمایز، اشتراک هایی نیز دارند. اشتراک های آنها به شرطی برجسته می شوند که همگی همچون ارتباط گفتاری عام نگریسته شوند. اما در صورتی که به تفاوت های آنها تاکید شود هر یک از این گونه های گفتاری معنا و ویژگی های خاصی می یابد که آن را از دیگر گونه ها متمایز و منفک می کند. بالطبع، در جهان واقع، این گونه های گفتاری با یکدیگر در می آمیزند)) (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۳).

## ارتباط

واژه ارتباط که معادل لفظ Communication در زبان انگلیسی است بر ساخته از ریشه لاتین Commun به معنای «معمول و مشترک» و «ic» به معنی «کردن و ساختن» است. بنابراین یکی از معانی فعل «to Communicate» عبارت است از «چیزی را مربوط یا مشترک یا معمول کردن». در حوزه های تخصصی ارتباطی نیز مقوله ارتباط، «انتقال و انتشار آگاهی ها و اندیشه ها، ایجاد پیوستگی اجتماعی و اشتراک فکری و همکاری عمومی» را در بر می گیرد و «فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده ارتباط» تعریف می شود، «مشروط بر آنکه در گیرنده پیام مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود». (محسنیان راد، ۱۳۷۴: ۵۷ به نقل از خانیکی، ۱۳۹۲: ۱۷۱) به این اعتبار یکی از معانی برقراری ارتباط عبارت است از: «انتقال یا مشترک ساختن اطلاعات یا معرفت در میان اشخاص با حداکثر دقت و امانت ممکن». (پایا، ۱۳۸۱: ۶۵ به نقل از خانیکی، ۱۳۹۲: ۱۷۱)

## تفاوت ارتباط و گفتگو

میان معانی ارتباط و دیالوگ تفاوت زیادی وجود دارد. بوهم (۱۳۸۱) دیالوگ را فرآیندی می داند که در ارتباط خود با خود یا با افراد دیگر و یا محیط او شکل می گیرد، هیچ هدفی را دنبال نمی کند، اما نتیجه ای به بار می آورد که حاصل آن درک و فهم تازه برای کسانی است که در جریان این فرآیند قرار می گیرند. دیالوگ جریانی از معنی است که در جمع ما، در بین ما و در درون ما جاری می شود. مفهوم آن این است که سیر و جریانی از معنی در همه گروه روان می شود و نوعی فهم تازه به وجود می آورد. چیزی که بدیع و خلاقانه است و همین معنای مشترک است که چسب یا سیمانی می شود که افراد را به یکدیگر می چسباند. در دیالوگ هر یک از طرفین ضرورتاً نمی کوشند تا اندیشه ها یا اطلاعاتی را که به آنها پیشاپیش دست یافته اند، به معرفت مشترک تبدیل کنند. تلاش اصلی کسانی که در گفت و گو شرکت دارند این است که چیزی را با مشارکت یکدیگر خلق کنند. (خانیکی، ۱۳۹۲: ۱۷۲-۱۷۱).

## مونولوگ

تک گویی یا مونولوگ (monologue) در لغت نامه دهخدا ((به تنهایی سخن گفتن، سخن گفتن طولانی توسط یک نفر، سخن گفتن انحصاری و متکلم وحده بودن در مذاکره است)) (دهخدا، ۱۳۷۲: ۹۲۱).

قاضی مرادی (۱۳۹۷) مونولوگ یا تک گویی را در معنای عام و خاص آن بررسی کرده است:

۱- تک گویی در معنای عام آن : ((وقتی فرد در ارتباط با موضوعی به ادراکی می رسد اگر بخواهد این ادراک را صرفاً بیان کند به تک گویی در معنای عام آن می پردازد. حتی وقتی که فرد در برابر دیگری خود-بیانگرانه صحبت می کند، یعنی انتظار پاسخی از شنونده را ندارد، سخن او تک گویانه است. از این رو، حجم گسترده ای از صحبت ما با دیگران حامل خود-بیانگری متقابل مان، یعنی بیان کردن خویشتن است. تک گویی در معنای عام آن، بخش مهمی از ارتباط گفتاری انسان را تشکیل می دهد و ممکن نیست جز این باشد)) (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۴).

۲- تک گویی در معنای خاص آن : ((تک گویی در معنای خاص آن بر محور خود تجویز گری شکل می گیرد. تک گویی در این معنای خاص به منظور ابلاغ، القا و یا تحمیل نظر و اراده تک گو به مخاطبانش است. این هدف از طریق دستکاری کردن، در کنترل گرفتن یا انقیاد ذهن مخاطب انجام می گیرد. چنین می شود تا او پذیرش منفعلانه ی نظر و اراده تک گو و در نهایت، به پیروی از او تن دهد. القت، تجویز و تحمیل نظر و اراده برای این انجام می شود که مخاطب تک گو برای برآوردن خواست و نیاز او ترغیب شود. با چنین هدفی آنچه دیگر در تک گویی تجویز گرانه اهمیت ندارد روشننگری و درک مشترک در مورد هر موضوعی است که از آن صحبت می شود. تک گو برای تحمیل نظر و اراده اش به مخاطب خود تصویری از موضوع ارائه

می دهد که توجیه کننده و برانگیزنده ی او برای پیروی کردن باشد. این امر ماهیت خود کامه و زورگویانه تک گویی را مشخص می کند (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۵-۱۴).

میخائیل باختین در تبیین تک گویی در معنای خاص آن می نویسد: (( گفتار تک گویانه، در حد افراطی اش، وجودی خارج از خودش را به عنوان آگاهی دیگر با حقوق و مسئولیت های برابر با خود، یک من دیگر با حقوق برابر (یعنی تو) انکار می کند. در رویکرد تک گویانه (در شکل افراطی و ناب آن) شخص دیگر کاملاً و صرفاً، یک ابژه ی (شی) شعور و آگاهی و نه یک شعور و آگاهی دیگر باقی می ماند... تک گویی، قطعیت یافته و کامل است و بنابراین نسبت به پاسخ فرد دیگر ناشناخته است. تک گویی از شنونده انتظار هیچ اراده راسخی را ندارد و، در اساس، چنین اراده ای را در او نمی شناسد. تک گویی بدون به حساب آوردن دیگری پیش برده می شود. بنابراین، تا هر حدی، همه ی واقعیت را شکل می دهد. تک گویی وانمود می کند که کلام آخر است. (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۵)

ویژگی ذاتی تک گویی:

۱- جدایی در تک گویی ۲- اتکای تک گویی به حقایق از پیش ۳- تک گویی و فقدان پرسشگری ۴- نابرابری و ناهمپایی در تکوین (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۲۳-۱۸)

تفاوت گفتگو و مونولوگ

در مونولوگ، یک فرد به صورت مقتدرانه، اندیشه دیگران را تخطئه می کند، آنان را به سکوت فرا می خواند و درک خویش را به گمان آنکه فهم و تفسیر درستی است به دیگران تحمیل می کند. مونولوگ ارتباطی است که از طریق آن اطلاعات یا دانش از یک شخص به دیگری تا حد ممکن به صورت دقیق منتقل می شود. مونولوگ انکار این واقعیت است که بیرون از من، ممکن است آگاهی دیگری وجود داشته باشد که به اندازه شناخت من معتبر بوده و قادر است در برابر اندیشه ام بایستد و توان پاسخ داشته باشد. مونولوگ به انکار دیگری و استقلال و کفایت آن به عنوان یک اندیشه و باور مستقل بر می خیزد. بر این اساس خود را کامل و کافی می پندارد و گوش شنوایی برای شنیدن دیگری ندارد. مونولوگ، شخص خویش را بر اریکه دانایی و حقیقت می نشاند و گمان می کند که آخرین کلامی است که باید گفته و شنیده شود. برخلاف مونولوگ که بر تخت تک صدایی می نشیند و توان دیدن خیل اندیشه های دیگران را ندارد، گوش های دیالوگ بر روی افکار و دیدگاه های مختلف گشوده است و زندگی و شناخت حقیقت را در یک ارتباط دوسویه جستجو می کند (نیستانی، ۱۳۹۸: ۱۸). این در صورتی است که دیالوگ برخلاف مونولوگ نه به تنهایی سخن گفتن است و نه طولانی حرف زدن. انحصار در کلام و متکلم وحده شدن نسبتی با دیالوگ ندارد. (خانیکی، ۱۳۹۲: ۲۴)

## مشاجره

مشاجره (contention) و (dispute) مکالمه ای در کل تک گویانه است. می توان گفت تک گویی در معنای خاص آن میل به تک گویی را در مخاطب برمی انگیزد و نتیجه، مشاجره است. مشاجره، در کل، مبتنی بر این است که هریک از طرفین، پیش فرض ها، پیش داوری ها، عقاید و مواضع خود را در مورد این موضوع صحبت، حقیقت محض و از آن دیگری را یکسره خطا می داند. پس هر یک با دفاع تام از نظر خود می کوشد تا ابطال نظر دیگری را، به هر دو دستاویزی، توجیه کند و از این طریق بر او غلبه یابد. سرشت مشاجره با مخالفت و ستیزه از پیش معین می شود. (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۲۶-۲۵)

ویژگی های مشاجره:

- هر یک از طرفین مشاجره حقیقت را از پیش فقط در اختیار خود می داند.

- محور مشاجره تعارض و ستیز میان حقیقت و خطا است.

-در مشاجره شنیدن سخن دیگری برای ادراک و فهمیدن نیست؛ بلکه برای کشف خطا در گفته های او است.

-در مشاجره سنجش یا تفسیر واقعیت نه برای درک آن بلکه برای توجیه پیش فرض ها و پیش داوری ها مورد نظر خود و رد آراء و عقاید دیگری انجام می شود.

-مشاجره ارتباط گفتاری "برنده-بازنده" است.

-مهمترین ابزار پیشبرد مشاجره خشونت است.

-از خشونت و تحقیر دیگری استفاده می شود تا او در پی تضعیف و تخریب شخصیت اش به سکوت کشانده شود.

-پرسیدن از دیگری در مشاجره با دو هدف همسو انجام می شود: اول، تلاش برای گیر کردن دیگری و به هم ریختن نظم و تمرکز فکری او، یا یافتن اشتباه یا نقطه ضعف در آرا یا خلل در شیوه استدلال او برای زمینه سازی حمله به او و به سکوت کشاندنش. دوم، تلاش برای لاپوشانی نادانی خود از طریق به انحراف کشاندن جریان صحبت.

-به ویژه در مشاجره های سیاسی-ایدئولوژیک هر طرف خود را در جایگاه نماینده ی یک ایدئولوژی و یک جریان سیاسی و یا طرفدار این و آن متفکر قرار می دهد.

-از دیگر شیوه های پیش بردن مشاجره، تک اندیشی یا اندیشیدن به تنهایی است.

-در میان مشاجره کنندگان می تواند اعتماد وجود داشته باشد.

-در مشاجره حقیقت نوی کشف نمی شود؛ تغییر ایجاد نمی شود (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۲۹-۲۶)

## گپ

گپ زدن (Chatting) مکالمه ای بی هدف است و چون بی هدف است، بدون اعتنا و دقت، بی وقفه و با سرعت نامتناسب انجام می گیرد. گپ نوع شاخص و بسیار گسترده ی ارتباط گفتاری است که هم در مناسبات اجتماعی الزامی است و هم در گسترش این مناسبات نقش مهمی دارد. گپ تا حدود زیادی، بازتاب فرهنگ اجتماعی در مراودات گفتاری است. می توان گفت ارتباط گفتاری اگر بر هدف از پیش معینی متمرکز نباشد با گپ شروع می شود. این هدف از پیش معین در دیگر ارتباط های گفتاری -حتی در گفتگو- وجود دارد. گپ ویژگی های خاصی دارد. به اتکای برخی از ویژگی های آن و هدایت گپ می توان آن را تا سطح گفتگو اعتلا داد. ناکامی در اعتلای گپ نیز آن را به تک گویی، مشاجره و حتی وراجی سوق می دهد. تفاوت گپ با گفتگو را می توان بی هدفی گپ و هدفمندی گفتگو جستجو کرد (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

ویژگی های گپ:

-گپ، در مجموع محاوره ای صمیمانه است.

-گپ از همان آغاز صحبت محقق می شود و تا پراکنده شدن جمع پیش می رود. برای شروع آن هم این پرسش ساده کافی است که "چه خبر؟"

-تصادفی بودن گپ جنبه های دیگری نیز دارد. از جمله، اینکه گپ کانون ندارد و بنابراین، یک روند نیست. گپ در فقدان کانون، فاقد انسجام و یکپارچگی است.

-هدف گپ رضایتمندی از با یکدیگر بودن و همزیستی کلامی است. این رضایت مندی متقابل، سطوح متفاوتی دارد.

- گپ در سطح معمول و مرسوم آن بازی ای است که برنده و بازنده بودن در آن چندان اهمیتی ندارد. بی اهمیت بودن برنده و بازنده در گپ، آن را مصالحه جویانه و سازگاری طلبانه می کند.

- گپ در سطح معمول و مرسوم، اعجاب انگیز، وجد آور یا غافلگیر کننده نیست. در این سطح، ایده و معنا و حقیقت نو و مشترکی خلق نمی شود که شگفتی ساز باشد.

- گپ با حرافی یا پرگویی متفاوت است. در گپ همه، کم و بیش، مشارکت دارند. در حرافی یا زیاد گویی این حراف است که در مرکز قرار می گیرد و شنیدن هر موضوع مورد نظر خود را به دیگران تحمیل می کند (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۱۰-۱۰۳).

### صحبت

((واژه صحبت در زبان فارسی معادل کلمه «Conversation» در زبان انگلیسی است. معنای متعارف آن «زیستن در میان (Live among)» و «آشنا بودن با (Be familiar with)» است و از واژه لاتین «Conversari» به معنای «همدمی» اخذ شده است. «صحبت» نشانه تشکیل نوعی تجمع دوستانه و سخن مألوف گفتن است و میان این فرآیند با فرآیند گفت و گو که در آن می تواند سخنی آشنا رد و بدل نشود یا جمعی دوستانه به شمار نیاید، فاصله ای روشن وجود دارد)) (خانیک، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

### تفاوت صحبت کردن و دیالوگ

صحبت کردن وقتی اتفاق می افتد که شخص درباره تجربه های خود با دوستان و خانواده سخن می گوید یا درباره ورزش، سیاست و مسائل اجتماعی و خانوادگی و حوادث دیگر با دیگری حرف می زند. صحبت کردن جدی و هدفمند نیست و هر کسی از هر دری سخن به میان می آورد و هیچ کس قصد و منظور مشخصی ندارد. صحبت کردن غیر رسمی است و بهانه ای برای نزدیک شدن افراد به یکدیگر می شود. در چنین محیطی اگر کسی بخواهد حرف جدی بزند و یا به نحوی دیگر آن را در تبیین بیشتر موارد و مسائل مورد صحبت آگاه کند، به طور معمول در برابر او موضع می گیرند و دوست ندارند بحث ها را به طور منطقی پیگیری کنند. در این نوع ارتباط (صحبت کردن)، افراد در پی دستیابی به حقیقت، نه در سودای دانایی و نه به دنبال پرورش قوای ذهنی هستند؛ بلکه صحبت کردن تنها برقراری یک نوع ارتباط کلامی بین انسان هاست که در آن به طور معمول اندیشه ها، سخن ها و حرف ها از بار معنایی دقیق و مشخص برخوردار نیست و واژه های مورد استفاده بیشتر عامیانه و بدون معنای علمی و دقیق است. اما دیالوگ بهانه ای برای همنشینی و صحبت کردن بین افراد نیست، بلکه راهی است خاص برای برقراری ارتباط میان دو شخص یا بیشتر برای شناخت جهان و خویش. در این ارتباط هرکس برای سخن گفتن، کشف حقیقت، شناخت و درک پدیده های هستی، شانس برابر دارد. (نیستانی، ۱۳۹۸: ۲۳-۲۲)

### بحث

بحث را اغلب به عنوان معادلی برای کلماتی از قبیل «discourse»، «discussion»، «conversation» و «talk» در زبان انگلیسی به کار می برند. معنای اصلی آن «تجزیه امور و تأکید بر تحلیل و تفکیک» در روند مباحثه است. کاربرد این مفهوم به مراتب محدودتر از مفهوم گفت و گو است که بنای آن پیوند دادن اندیشه ها و احساسات و ایجاد حوزه مشترکی از معانی متحول شونده است. (خانیک، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

بحث کردن به معنای آوردن دلایل یا شواهد در تایید یک نتیجه است. در چنین شرایطی بحث کردن تنها بیان دیدگاه های مشخص یا فقط یک مشاجره نیست. بحث کردن تلاشی برای تایید دیدگاه هایی خاص از طریق استدلال کردن است. (وستون، ۱۳۹۱: ۱۳)

دیلون مباحثه را صورتی خاص از همکاری گروهی می داند. که در طی آن اعضا با هم از مسئله ای مشترک پرسش می کنند، دیدگاه های مختلف را برای رسیدن به پاسخ بررسی می کنند، سطح درک یا شناخت افراد شرکت کننده را بالا می برند و به نقد و داوری، تصمیم، تحلیل و عمل به موضوع مورد مباحثه می پردازند. (اسپرو، ۱۳۸۸ : ۳۰۵)

وستون (۱۳۹۱) مواردی را برای ایجاد یک بحث کوتاه پیشنهاد می کند:

۱- فرضیات را از نتیجه تمیز دهید ۲- ایده های خود را به شکلی منظم بیان کنید ۳- با فرض های موثق شروع کنید ۴- زبانی صریح، دقیق و انضمامی به کار گیرید ۵- از گفتار جهت دار بپرهیزید ۶- از واژه های یکدست استفاده کنید ۷- هر واژه را فقط در یک معنی به کار برید ۸- آیا باید بیش از یک مثال زد؟ ۹- آیا مثال هایمان روشنگرند؟ ۱۰- داشتن اطلاعات پیشین ضروری است؟ ۱۱- آیا مثال نقضی وجود دارد؟ ۱۲- در تمثيل باید از مثال هایی استفاده کرد که به شکل مناسبی مشابهت داشته باشند ۱۳- ذکر منابع ضروری است ۱۴- آیا منابع مطلع در اختیار داریم؟ ۱۵- آیا منابع مان بی طرفند؟ ۱۶- منابع را از هر نظر بررسی کنید؟ ۱۷- حمله به شخصیت کسی، آن منبع را بی اعتبار نمی کند. ۱۸- آیا بحث مان توضیح می دهد که چگونه علت موجب معلول می شود؟ ۱۹- آیا محتمل ترین علت موجب نتیجه شده است؟ ۲۰- اتفاقاتی که از پی یکدیگر می آیند، لزوماً با یکدیگر مرتبط نیستند ۲۱- برخی اتفاق های همزمان، علتی مشترک دارند ۲۲- هر یک از دو اتفاقی که هم زمان رخ می دهند ممکن است معلول دیگری باشد ۲۳- ممکن است علت ها پیچیده باشند ۲۴- بحث به وسیله قاعده ی وضع مقدم ۲۵- بحث به وسیله قاعده ی نفی تالی ۲۶- قیاس شرطی ۲۷- قیاس انفصالی ۲۸- برهان ذوحیدین ۲۹- برهان خلف ۳۰- انجام بحث های قیاسی در چند مرحله (وستون، ۱۳۹۱: ۱۳)

تفاوت بحث و دیالوگ

تفاوت های اساسی بحث و گفت و گو را می توان در جدول زیر بررسی کرد:

بحث	گفت و گو
تجزیه و شکستن مسائل و موضوعات به اجزا	مشاهده کل در میان اجزا
مشاهده تمایزات میان اجزا	مشاهده ارتباطات میان اجزا
موجه کردن / دفاع از مفروضات	پرسش و تحقیق در خصوص مفروضات
الزام کردن، مجاب کردن، امتناع کردن	فراگیری از رهگذر تحقیق و آشکارسازی
دستیابی به توافق بر سر معنای واحد	خلق معنای مشترک میان شمار زیادی از افراد

بحث و گفت و گو: مقایسه تطبیقی (خانیک، ۱۳۹۲: ۱۷۳)

بحث امری جدی است و افراد و مشارکت کنندگان در بحث، دارای محتوا، اهداف و مقاصد از پیش تعیین شده هستند. مشارکت کنندگان در بحث خود را موظف به اجرای قواعد حاکم بر بحث می دانند. در بحث کردن اگر کسی بخواهد قواعد را زیر پا بگذارد، از سوی مشارکت کنندگان طرد می شود. این دقیقاً برخلاف صحبت کردن است که اگر کسی می خواهد به نحوی هدفمند و جدی سخن بگوید، به شیوه های مختلف مورد تمسخر گروه قرار می گرفت. بسیاری از نشست ها و مباحث فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اندیشمندان را می توان نوعی مباحثه دانست. در بحث، افراد می خواهند با بررسی یک موضوع به شناخت کامل و جامع تری نسبت به موضوع دست یابند. این شناخت به آنها کمک می کند تا بتوانند راهبردهای عملی برای جامعه تدوین کنند. در بحث مشارکت کنندگان مسائل و پدیده های مورد بررسی را تجزیه می کنند و با تجزیه و تحلیل آنها می کوشند تا مسئله را روشن تر سازند. هدف از بحث رسیدن به بهترین دیدگاه، اندیشه و پاسخ است. در مباحثه، افراد در جستجوی بهترین راه های حل مشکل هستند و می کوشند تا رفتار خویش را تصحیح کنند. هدف مشارکت کنندگان در بحث، دستیابی به شناخت مشترک است. برخلاف بحث، دیالوگ، از دیدگاه ایساکس، فرایند همکاری، تجزیه و تحلیل، ترکیب و فهم است که از طریق مباحثه شکل می گیرد. در دیالوگ، رسیدن به شناخت مشترک هدف اصلی مشارکت کنندگان نیست و اساساً در



بسیاری از دیالوگ ها، هدف از قبل تعیین نشده است. کسی با قصد و منظور وارد دیالوگ نمی شود، بلکه هدف در فرایند دیالوگ خلق می شود. اگر افراد پیش از دیالوگ، هدف مشخصی داشته باشند و بدانند که فرجام دیالوگ دستیابی به چه دانش یا بینشی است، دیگر تفکر انتقادی، خود اندیشی و دستیابی به افق های جدید که از اهداف بنیادین دیالوگ است، معنایی نخواهد داشت. چرا که دیالوگ واقعی زمانی تحقق می پذیرد که ذهن آزاد باشد و بتواند در یک فرایند سیال به اندیشه های جدید دست یابد. تفاوت دیالوگ و بحث از دیدگاه دیوید بوهم، نیز قابل توجه است. اصولاً فهم این تفاوت معطوف به شناخته دیدگاه فلسفی بوهم است که در بخش آینده به آن خواهیم پرداخت. اما به طور کلی می توان گفت که منشأ تفاوت میان بحث و دیالوگ از نظر بوهم برگرفته از اندیشه معرفت شناسی اوست. پاره پاره شدن شناخت در جهان امروز، عصاره ی معرفت شناسی بوهم است. از نظر بوهم، بحث فرایندی است که در آن دیدگاه های مختلف جدای از هم مورد بررسی قرار می گیرد و در آن هرکس دیدگاه خاص خود را بیان می کند. اما در دیالوگ، افراد دیدگاه های یکدیگر را نقد می کنند تا به شناختی جامع، زاینده و سازنده برسند، شناختی که منجر به فهم درست می شود. ((حقیقت از نظر ها سر بیرون نمی آورد، بلکه از چیز دیگری ناشی می شود؛ لحظه ای که این ذهن خاموش، آزادتر باشد)) (نیستانی، ۱۳۹۸: ۲۵-۲۳).

### مناظره

مناظره (debate) و (disputation) به طور معمول با تعداد محدودی از مشارکت کنندگان برگزار می شود و یک هدف آشکار دارد که پیروزی و غلبه بر دیگری است. بسیاری از مناظره های سیاسی و علمی فقط برای نشان دادن برتری یک اندیشه و یا باور به دیگری برگزار می شود. در مناظره کسی به دنبال رسیدن به حقیقت نیست و نمی خواهد با اجرای آن مشکلی را در زندگی حل کند یا باعث تقویت ذهنی خود و دیگری شود. مناظره، مسابقه برد و باخت و یک دوئل واقعی است که افراد در رفع اشتباه های خویش هیچ گونه تلاشی نمی کنند. افراد مانند بازی پینگ پنگ در مقابل یکدیگر موضع می گیرند، از موضع فکری خویش دفاع می کنند و به تنهایی می اندیشند. غلبه بر دیگری و برتر دانستن اندیشه خود بر دیگری از ویژگی های مناظره است. در مناظره، استفاده کردن افراد از کلمات نه برای رسیدن به یک حقیقت، بلکه بیشتر برای پیروزی در جنگ واژه هاست. البته مناظره همواره جنبه رسمی ندارد و می توان شکلی از مناظره را در صحبت کردن و بحث کردن بین افراد نیز ملاحظه کرد. اندکی دقت در صحبت کردن ها، گفتگوهای دوستانه و حتی بحث های اجتماعی و نشست های علمی افراد جامعه نشان می دهد که هدف بسیاری از آنها نیز چیزی جز تخطئه دیگری و پیروزی در بحث نیست. (نیستانی، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۵).

### تفاوت مناظره و دیالوگ

برخلاف مناظره، در دیالوگ افراد از طریق گوش سپردن به چشم انداز های متعدد، مفاهیم مشترکی را خرج می کنند. دیالوگ عبارت است از فرآیند کسب معرفت که در خلال آن سعی نمی کنیم دیگران را قانع کنیم تا دیدگاه های ما را درست بپندارند. بلکه برعکس در دیالوگ برآنیم تا به درک دیدگاه دیگری برسیم، بدون آنکه اجباری در پذیرش دیدگاه دیگران یا رد ارزش ها و باور خودمان داشته باشیم. دیالوگ شناخت ما را نسبت به دیدگاه های جدید افزایش می دهد و فرصت های جدیدی را فررویمان می گذارد. بنابراین در دیالوگ، هدف رسیدن به یک نتیجه و فهم پذیرفته شده یا تخطئه دیگری نیست، بلکه بیشتر شناختن افق های جدید فکر و پرورش قوه اندیشیدن است. مادر دیالوگ به دنبال اندرزهای سرزنشگر نیستیم. همچنین در دیالوگ به دنبال گردآوری دیدگاه های مختلف برای دستیابی به یک نتیجه معین نمی گردیم و قصد نداریم در پایان دیالوگ الزاماً به بهترین دیدگاه، اندیشه و پاسخ دست یابیم. بلکه فرجام دیالوگ، رسیدن به چندین دیدگاه، اندیشه و پاسخ برتر است. دیالوگ از دیدگاه بوهم، فرایندی است که به هرج و مرج های موجود در دیدگاه های فرد نظم می بخشد. دیالوگ و خلق آگاهی مشترک، طریق حل مشکلات را، از پایین به بالا نه بالا به پایین نشان می دهد (نیستانی، ۱۳۹۸، ۲۷-۲۵).

## مذاکره

مذاکره معادل واژه «negotiation» در زبان انگلیسی است که برآمده از کلمه لاتینی «negotitat» به معنای «به انجام رساندن» جریان معامله است. مذاکره هدفی عملگرایانه را برای یافتن راه برون شدی از میان موانع خاص دنبال می کند، از این رو کارکردی محدودتر از گفت و گو دارد (خانیک، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

## تفاوت مذاکره و دیالوگ:

دیالوگ	مناظره
فرض بر این است که پاسخ در دست همه است و شما فقط بخشی از پاسخ را در کف دارید و مجموع پاسخ ها می تواند یک راهی پیش روی ما بگذارد.	فرض بر این است که یک پاخ درست وجود دارد.
کشف اندیشه ها و راه های جدید و نه جست و جو برای رسیدن به یک رای	جست و جو برای پیدا کردن یا نتیجه یا رای که موضع شما را تصدیق کند.
رفتار مشارکت جویانه است، یعنی جست و جو برای رسیدن به یک فهم مشترک	رفتار متخاصمانه، یعنی جست و جو برای پیدا کردن نقاط ضعف موضع دیگری
برای نشان دادن زمینه ی مشترک در دیدگاه های افراد است.	برای پیروزی و غلبه بر دیگری است.
گوش دادن برای فهمیدن و پیدا کردن معنا و توافق	گوش دادن برای یافتن عیب ها و استدلال متقابل
ارزیابی همه مواضع	انتقاد از موضع فکری دیگری
پذیرفتن این امر که دیدگاه های دیگران می تواند موجب ارتقای دیدگاه خودمان شود.	دفاع از دیدگاه های خود در مقابل دیدگاه های دیگران
جستجو برای پیدا کردن قوت ها و ارزش مواضع فکری دیگران	جست و جو برای پیدا کردن عیوب و ضعف ها در مواضع فکری دیگران

(نیستانی، ۱۳۹۸، ۲۸).

## گفتمان

واژه گفتمان (discours) در واکنش به اندیشه پوزیتیویستی و جزم گرایانه علم در دهه های ۴۰ تا ۶۰ در قرن بیستم شکل گرفته است. از دیدگاه کوهن، شناخت علمی اساساً مبتنی بر واقعیت ها و پدیده های طبیعی نیست و بیشتر متأثر از مجموعه باورها، ارزش ها و روش های فنی است که دانشمندان بر اساس آن عمل می کنند. هر انگاره ای در درون خود، نظریه های خرد و کلان متعددی دارد که در علوم رایج در دورانی مطرح هستند. با فرو ریختن انگاره (پارادایم)، این نظریه ها نیز خود به خود دچار دگرگونی می شوند. برای نمونه، هنگامی که در دورانی قرار داریم که نظریه نیوتن جکمفرماست، درک دانشمندان از مفاهیم مکان و زمان وابسته به نظریه نیوتن خواهد بود. گفتمان را نیز می توان در معنای انگاره یا پارادایم در نظر گرفت و هم چون انگاره مجموعه ای از اندیشه هایی دانست که دارای موضوع، روش، مفاهیم و بنیادهای نظری مشترک است و می شود آنها را در لوای یک مفهوم یا گفتمان در کنار یکدیگر قرار داد. با وجود این، تفاوت اساسی انگاره با گفتمان این است که برخلاف انگاره که در آن بر سر نظریه ها توافق وجود دارد و بر مبنای دستاوردهای بزرگ علمی شرکت گرفته است، در گفتمان توافقی بین دانشمندان وجود ندارد. تحلیل گفتمان در دو دهه اخیر، در پی تحولات فکری و نظریه پردازی در سده بیستم میلادی در عرصه های مختلف علوم انسانی ظهور کرده و کاربرد وسیعی یافته است. سر آغاز بحث های گفتمانی را می توان گسترش مطالعات روانشناختی در آغاز قرن بیستم و تاسیس دانش نشانه شناسی، به ویژه آموزه های فردینان دوسوسور در شکل گیری دانش نشانه شناسی و اندیشه های فلسفی میشل فوکو در مورد رهیافت انتقادی به دانش، ویژگی تاریخی و فرهنگی پدیده ها دانست. گسترش گرایش به استفاده از بحث های گفتمانی در علوم انسانی، به نارضایتی فزاینده از جریان اصلی

رهیافت های پوزیتیویستی در علوم اجتماعی و تضعیف و سیطره آن بر رشته هایی چون علوم سیاسی و جامعه شناسی برمی گردد. رهیافت تحلیل گفتمانی به صورت کلان، تلاشی است برای تبیین نشانه شناسانه چگونگی شکل گیری معانی و دیدگاه ها در نظام دانایی موجود در عرصه اجتماعی. گفتمان در این نگرش، مجموعه ای از احکام، گزاره ها و اصول مسلم گرفته شده را در بر می گیرد و بر تمام زندگی بشر اشراف دارد. شاخص اصلی گفتمان ها، بی ثباتی و تحول پذیری آنها در فرایندهای اجتماعی است. از این رو، حقیقت ها در درون گفتمان ها، معنا می گیرد و با زوال گفتمان های پیشین و شکل گیری گفتمان های جدید تغییر می یابد. از این دیدگاه، گفتمان ها با انگاره ها یکسان هستند. در تحلیل گفتمانی، سعی می شود چگونگی معنایابی نشانه ها و دال ها در گفتمان که به صورت یک مفصل بندی کنار هم جمع شده اند، کشف گردد. (نیستانی، ۱۳۹۸: ۳۲-۲۹).

#### تفاوت گفتمان و دیالوگ

یکی از اشتباه های رایج که متاسفانه امروزه در بین نویسندگان مترجمان و سیاستمداران و مردم عادی نیز رواج پیدا کرده است، یکی دانستن مفهوم گفتگو و گفتمان است. چنانکه ملاحظه می شود از تعریف گفتمان، می توان بین گفتمان و انگاره نقطه ی مشترکی قائل شد، اما بین مفهوم گفتمان و دیالوگ هیچگونه قرابتی نمیتوان دید. به عبارت دیگر این دو مفهوم را به هیچ صورت نمی توان ترجمان یکدیگر دانست و فقط باید اذعان کرد که غلط رایجی است که در متون ما صورت گرفته است و متاسفانه این اشتباه را برخی از نویسندگان همواره تکرار می کنند (نیستانی، ۱۳۹۸: ۳۲-۲۹).

#### نتیجه گیری

از این دیدگاه، دیالوگ مهمترین راه دستیابی افراد به نگاه جامع به پدیده های هستی و برقراری ارتباط بین انسان هاست. از دیدگاه فلاسفه منتقد مدرن، دیالوگ، منجر به یک فهم صحیح و آگاهی جان بخش می شود و راهی است برای نظم بخشیدن به شناخت پاره پاره شده بشر و دوری از خرد کردن اندیشه آدمی نسبت به پدیده های هستی. دیالوگ به دید انسان نسبت به هستی جامعیت می بخشد و ذهن شخص را در پذیرفتن اندیشه های نو آماده تر می سازد. به شخص کمک می کند تا با ذهنی باز و پویا با مسائل زندگی برخورد کند و در کسب معرفت از جزء نگری، جزم اندیشی و پیش فرض های ذهنی خود پرهیز نماید. دیالوگ همچنین در زندگی، انسانها را از تنهایی و مهجوری آزاد می کند و روابط میان افراد را دوستانه، عمیق و انسانی می سازد. دیالوگ به انسان ها کمک می کند تا مهارت های گرانمایه سخن گفتن و شنیدن خویش را اعتلاء بخشند و در گفتگو با دیگران قضاوت ها و پیش فرض های خود را کمتر وارد بحث کنند و به نظر ها و راه و روش دیگران احترام بیشتری بگذارند (نیستانی، ۱۳۹۸: ۹).

دیالوگ با ظرفیت خود می تواند در حوزه عمومی (سپهر عمومی) شکل بگیرد و آن را بازتولید کند. سپهر عمومی امکانی در زندگی جمعی انسان هاست که با تحقق آن، افراد جامعه می توانند از طریق یکدیگر به سخن آیند و با مفاهیم به امر عمومی توجه کنند، و آن را مورد بحث و گفت و گو قرار دهند. در سپهر عمومی افراد در وضعیتی آزاد، دور از تحمیل ها و اجبارها، امر عمومی را مورد بحث و نظریات یکدیگر را مورد ارزیابی قرار می دهند، و بدین وسیله، امکان رسیدن به یک توافق جمعی واقعی را به حداکثر می رسانند (پدرام، ۱۳۸۸: ۲۳).

## مراجع

- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۷). شوق گفتگو و گستردگی فرهنگ تک گویی در میان ایرانیان، نشر قطره، چاپ دوم
- نیستانی، محمد رضا (۱۳۹۸). اصول و مبانی دیالوگ، تهران، نشر یار مانا
- خانیکی، هادی (۱۳۹۲). در جهان گفتگو، نشر هرمس، چاپ دوم
- خانیکی، هادی و فاطمه نوریراد (۱۳۹۸). کاربست روش تحلیل گفت و شنود در ارتباطات میان فردی؛ تحلیل ارتباطی گفت-و-گویی کندوکاو محور دانش آموزان دوره ابتدایی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۲، شماره ۳
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت نامه‌ی دهخدا، جلد ۱۱
- اسپرود، تیم (۱۳۸۸). تحلیل مباحثه؛ مروری بر کتاب کاربرد مباحثه در کلاس های درس نوشته جیمز دیلون، ترجمه سمیرا پزشک پور، نشریه فرهنگ، شماره ۶۹
- بوهم، دیوید (۱۳۸۱). درباره خلاقیت، ترجمه محمدعلی حسین نژاد، نشر ساقی، چاپ اول
- بوهم، دیوید؛ (جمع آوری و تدوین: نیکول، لی) (۱۳۸۱). درباره ی دیالوگ، ترجمه محمدعلی حسین نژاد، نشر دفتر پژوهشهای فرهنگی
- پایا، علی (۱۳۸۱). "گفت و گو" در جهان واقعی: کوششی واهی یا ضرورتی اجتناب ناپذیر؟، نشر طرح نو
- پدرام، مسعود (۱۳۸۸). سپهر عمومی، نشر یادآوران، چاپ اول
- پورنجاتی، احمد و سعید مدنی و سعید لیلان و هادی خانیکی (۱۳۸۷). چرا گفتگو به تفاهم نمی انجامد؟، ماهنامه بازتاب اندیشه، شماره ۱۰۲
- حیدری، احمد علی (۱۳۸۲). گادامر فیلسوف گفت‌وگو، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۲
- فریره، پائولو (۱۹۹۷). آموزش شناخت انتقادی، ترجمه منصوره (شیوا) کاویانی، انتشارات آگاه
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). راهی به رهایی: جستاری در باب عقلانیت و معنویت، نشر موسسه نگاه معاصر
- نیلی، مرضیه (۱۳۹۳). کیفیت گفتگو مداری روشنفکران متاخر، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- وستون، آنتونی (۱۳۹۱). قواعد مباحثه، ترجمه نصراله مرادیان، نشر قطره، چاپ دوم